

بود اعلام داشت که در مقابل مطالبات خود فقط طلا قبول می‌کند و بالاخره سقوط بورس نیویورک در سال ۱۹۲۹ و بروز بحران در کشور آمریکا آخرین ضربه را به لیره انگلیس وارد کرد و سرمایه داران اروپایی سرمایه‌هایی را که در انگلستان داشتند به کشور خودبازگرداندند و به ناچار انگلستان در سپتامبر ۱۹۳۱ پایه طلا را ترک کرد و در نتیجه ارزش لیره به شدت تنزل یافت چنانچه تا شروع جنگ دوم نیز برابری لیره با طلا تثبیت نگردید.

پس از تنزل ارزش لیره عده‌ای از کشورها که پول خود را تنزل نداده بودند، با عواقب ناشی از گرانی پول خود مواجه شدند این امر باعث شد از قدرت بازرگانی خارجی آنها و حجم صادراتشان در مقایسه با کشورهای گروه اول کاسته شود. در رأس این کشورها آلمان قرار داشت که پس از تورم بی سابقه سالهای ۲۳-۱۹۲۲ واحد پول خود را در سال ۱۹۲۴ تثبیت کرده بود. این کشور پس از سقوط لیره علاوه بر ناتوانی در رقابت صادراتی گرفتار تعهدات سنگین غرامات جنگ بود که به علت بروز بحران جهانی از عهده پرداخت آن بر نمی‌آمد در نتیجه بستانکاران خود تقاضای مهلت نموده و بنابراین دولت با تجربه تلخی که از تورم داشت از تنزل ارزش پول خودداری کرد و در اکتبر ۱۹۳۶ سیستم کنترل ارزی برقرار ساخت و داراییهای سایر کشورها را که به صورت مارک در آلمان بود محدود کرد.

پس از آن کشور مزبور با اغلب کشورهای دیگر قراردادهای دو جانبه بازرگانی و پرداخت منعقد کرد و محصولات آنها را با قیمت نسبتاً گران می‌خرید ولی چون پولهای حاصل از معاملات مزبور فقط در آلمان قابل مصرف بود لذا صادرات آلمان رونق یافت و در غالب موارد کشورهای که با آلمان قرارداد دو جانبه داشتند مبالغ زیادی از آن بستانکار شدند بدین ترتیب آلمان خود به خود اعتبارات فوق العاده‌ای از کشورهای دیگر به دست آورد. بسیاری از کشورهای اروپای مرکزی و آ.ریکای لاتین و برخی از کشورهای آسیا و خاور میانه از این سیاست آلمان تبعیت کرده و به برقراری سیستم کنترل ارزی مبادرت ورزیدند در نتیجه در تمام این کشورها سیستم چند نرخی و محدودیتهای ارزی و بازرگانی از قبیل سهمیه بندی به وجود آمد. ایران نیز از جمله کشورهای مزبور بود. برخی از کشورهای اروپای غربی مانند فرانسه، بلژیک، ایتالیا، هلند و سوئیس تا مدتی پایه طلا را حفظ کردند ولی آخر الامر آنها نیز پایه طلا را رها کردند و ارزش پول خود را تنزل دادند.

در فاصله بین دو جنگ هیچ‌گونه مقررات بین‌المللی برای تثبیت نرخ مبادلات ارزی وجود نداشت و کشورها با وجود وقوف بر این حقیقت که هر گونه تغییر در نرخ پول کشور خصوصاً پول کشوری که در مبادلات بین‌المللی مقام مهمی داشته باشد در منافع سایر کشورها مؤثر واقع خواهد شد در وضع پول خود به طور یک جانبه تغییراتی می‌دادند.

بدین ترتیب از سال ۱۹۳۰ به بعد یک نوع هرج و مرج پولی در تمام جهان به وجود آمد و هر کشور برای افزایش تولید ملی و بهبود وضع اقتصادی و اشتغال خود و افزایش صادرات از یک طرف در تنزل دادن ارزش پول خود سبقت می‌جستند و از طرف

پس از خاتمه جنگ جهانی اول پول اکثر کشورها ارزش قبل از جنگ خود را از دست داد و حتی پول برخی از کشورها مانند آلمان فاقد ارزش گردید.

مع‌الوصف در اثر کوشش کشورها و همکاری بین‌المللی از سال ۱۹۲۳ به بعد برای واحد پول غالب کشورها برابری ثابتی با طلا تعیین شد به طوری که در سال ۱۹۲۸ تقریباً همه کشورها دارای پول ثابت گردیدند و برای تطبیق جریانات اقتصادی و قابلیت انعطاف آن، سیستمی در جهان به نام Gold exchange Standard برقرار گردید و به موجب این سیستم، پول بعضی از کشورها که برابری آن با طلا ثابت و معلوم بود پشتوانه پول سایر کشورها قرار گرفت و به این ترتیب ارزش واحد پول بعضی از کشورها کاملاً به ارزش پول کشور دیگر وابستگی داشت اما به زودی معایب این سیستم آشکار شد چرا که سیستم مزبور عملاً با مشکلاتی مواجه گردید مثلاً لیره انگلیسی یکی از پولهایی بود که پشتوانه بسیاری از پولهای دیگر گردیده بود و ذخیره پولی عده زیادی از کشورها به شکل لیره در لندن نگهداری می‌شد و کشور انگلستان از این بابت مبالغ هنگفتی به یک عده از کشورهای مقروض و نیز در مسقایل از کشورهای دیگر بستانکار بود. اما به زودی این پول با مشکلاتی مواجه گشت از جمله کشورهای آلمان و اتریش و مجارستان از پرداخت بدهی‌هایی که به کشور انگلستان داشتند خودداری کردند و کشور فرانسه نیز که وضع پولی‌اش پس از تثبیت برابری آن با طلا محکم شده

نظام پولی جهانی و صندوق بین‌المللی پول

ن شادی شهشانی

صندوق بین‌المللی پول

در اواخر جنگ به منظور ایجاد یک نظم پولی در جهان از طرف هر یک از دو کشور آمریکا و انگلیس طرحی منتشر شد. طرحی که آمریکا ارائه داد به طرح وایت (White) مشهور است و در هفتم آوریل سال ۱۹۴۳ منتشر شد و طرح انگلیس نیز که طرح کنیز نامیده می‌شد در هشتم آوریل همان سال انتشار یافت. در طرح آمریکا ایجاد یک صندوق تثبیت پول ملل متحد با عنوان Un. Nation stabil.fund و در طرح انگلستان نیز طرح اتحادیه تهاتری Inter clearing union که به نام مبتکر آن کنیز معروف شد عرضه گردید.

کارشناسان دو کشور برای تلفیق دو طرح آمریکا و انگلیس به منظور تهیه یک طرح مشترک یک سال وقت صرف کردند و سرانجام در بیست و یکم آوریل ۱۹۴۴ گزارش مشترکی درباره تأسیس صندوق بین‌المللی پول عرضه نمودند و به منظور اتخاذ تصمیم نسبت به آن به دعوت رئیس جمهوری آمریکا کنفرانسی در اول ژوئیه ۱۹۴۴ متشکل از ۴۴ کشور در برتن وودز (Bretton woods) تشکیل شد در همین کنفرانس پیشنهاد ایجاد بانک بین‌المللی نیز ارائه شد و اولین معامله خود را در ۸ می ۱۹۴۷ با دولت فرانسه انجام داد. در طرح تأسیس صندوق بین‌المللی پول بیشتر از نظریات وایت استفاده شد.

دیگر محدودیتهای وارداتی و کنترل ارزی برقرار می‌نمودند در این دوره هیچ‌گونه سازمان بین‌المللی به وجود نیامد تا در تغییرات نرخ پول کشورها نظارت کند و در مواقع مقتضی نسبت به وضع نرخ مبادله یک یا چند پول توصیه‌هایی به عمل آورده و تصمیم کشورها را در جهت منافع کلیه کشورها هدایت نماید. در این میان سیاست دولت آمریکا از سال ۱۹۳۴ به بعد مبتنی بر قراردادهای متقابل بازرگانی بود که طی این قراردادها از دو اصل مهم زیر پیروی می‌کرد:

۱- اصل آزادی بازرگانی

۲- اصل معامله متقابل

ولی روش عده زیادی از کشورها به خصوص آلمان و ایتالیا مبتنی بر سیاست خود بسی (اتاریسم) بود که کاملاً با سیاست اتاژونی میانیت داشت. بازرگانی جهان بعد از بحران عظیم ۱۹۳۲ - ۱۹۲۹ تقریباً فلج شد. در عده زیادی از کشورها مبادلات در چهارچوب قراردادهای دو جانبه امکان‌پذیر گشت. در زمان جنگ هدف سیاست آمریکا در مورد دوران پس از جنگ رفع موانع بازرگانی جهانی و آزاد کردن مبادلات بود. این روش مبتنی بر عقاید مکتب جدید آزادطلبی Neoliberalism بود. در همین زمان در بعضی از کشورها روش دیگری طرفداران بسیار داشت و آن اقتصاد ارشادی بود. در دوران جنگ دوم

خاطره هرج و مرج پولی و گرفتاریهای حاصل از آن مقامات اقتصادی کشورهای بزرگ را متوجه نمود که بعد از جنگ باید نظم و ترتیبی در مبادلات بین کشورها برقرار شود تا گرفتاریهای بین دو جنگ دست و پاگیر نشود. لذا از همان اوئل جنگ میان کارشناسان اقتصادی اغلب کشورها این عقیده پیدا شد که دنیا بعد از جنگ در زمینه روابط پولی و مالی بین‌المللی احتیاج مبرمی به ثبات دارد و ضروری است که یک مرجع بین‌المللی ایجاد گردد تا با نفوذ خود از ایجاد رقابت پولی بین کشورها و هرج و مرج بازرگانی جلوگیری کند. بدین منظور در اثنای جنگ، متخصصان پولی اتاژونی و انگلستان برای مقابله با شرایط بعد از جنگ مقدمات لازم را فراهم نمودند اینان آرزو داشتند مجدداً تجارت چند



تأسیس صندوق بین‌المللی پول اقدام مهمی در کوشش کشورها برای برقراری همکاری بین‌المللی در امور پولی بود و بدون تردید مهمترین اقدامی می‌باشد که تاکنون از طرف کشورها برای اداره پولی بین‌المللی به عمل آمده است. زیرا در سالهای قبل از جنگ اول گرچه همکاری بین‌المللی در اداره امور پولی وجود داشت ولی بیشتر بر قوای بازار تکیه می‌شد تا تأسیس یک سازمان

جانبه و بازار آزاد برقرار گردد. بنابراین در پیشنهادها خود ایجاد یک سازمان پولی بین‌المللی با میدان وسیع فعالیتها و تواناییها و استقرار نظم پولی در جهان را ارائه می‌دادند تا این که دولتهای آمریکا و انگلیس از پیروزی نزدیک خود در جنگ اطمینان یافته در صدد برآمدند روابط اقتصادی جهانی را برای دوره صلح پایه‌ریزی کنند.

خاص بین‌المللی. صندوق بیشتر با مسائل مربوط به پرداختهای بین‌المللی سرو کار دارد و وظیفه آن نیز برقراری یک سیستم منظم به جای وضع هرج و مرج پولی سالهای قبل از جنگ است. طبق ماده اول اساسنامه صندوق بین‌المللی پول هدفهای کلی آن عبارتند از:

- ۱- توسعه همکاری پولی بین‌المللی به وسیله یک سازمان دائمی بین‌المللی که دستگاههای مجهز فنی و اداری و اطلاعات و وسایل لازم را برای مشاوره و همکاری در مسائل پولی در اختیار کشورهای عضو خواهد گذاشت.
- ۲- تسهیل توسعه و افزایش هم‌آهنگ بازرگانی بین‌المللی، تا از این راه به هدفهای اصلی سیاست اقتصادی صندوق که بالا بردن سطح اشتغال و درآمد واقعی و توسعه منافع تولیدی کشورهای عضو می‌باشد کمک کند.
- ۳- مساعدت به تثبیت نرخ ارزها و فراهم آوردن ترتیبات صحیح برای مبادلات ارزی بین کشورهای عضو و جلوگیری از رقابت در تنزل ارزش پول کشورها.
- ۴- کمک بسرای برقراری سیستم چند جانبه multilateralism پرداختها و جلوگیری از کنترل ارزی که مانع توسعه مبادلات بین‌المللی می‌شود
- ۵- ایجاد اعتماد در اعضاء که در مواقع ضروری برای برقراری تعادل پرداختهای خارجی کشورها کمک به عمل خواهد آمد تا اعضاء به محدودیت مبادلات پولی و بازرگانی خود که به زیان بازرگانی بین‌المللی است مبادرت نوزند.
- ۶- کوتاه کردن دوره عدم تعادل پرداختهای خارجی کشورهای عضو. صندوق در کوششهایی که برای تحقق هدفهای فوق به عمل می‌آورد به هیچ وجه خود را جانشین بازارها و یا سازمانهایی که بازارهای مزبور را اداره می‌کنند نمی‌داند لذا در بانکها و کارگزاران بورس ارز دخالتی نمی‌کند، بلکه فقط با بانکهای مرکزی و دولتها ارتباط دارد و تنها در مواقع بحرانی آن هم به طور غیرمستقیم در بازار ایفاء نقش می‌کند.

سیستم پولی صندوق

در تنظیم اساسنامه صندوق از تجربه سه سیستم مختلف پولی که سابقاً وجود داشت یعنی سیستم استاندارد طلا - سیستم پولهای مستقل ملی و سیستم کنترل ارزی استفاده شده است. می‌توان گفت سیستم پولی که صندوق در نظر گرفته است ترکیبی از هر سه سیستم مزبور می‌باشد. زیرا بعد از جنگ هیچ یک از سیستم‌های مزبور به تنهایی برای همه کشورها قابل قبول نبود. ایراد اصلی که به سیستم استاندارد طلا وارد است بین‌المللی بودن آن است در صورتی که این سیستم پذیرفته می‌شد کلیه کشورها ناچار بودند سیستم اقتصاد خود را در اختیار قوای بین‌المللی و در معرض آن قرار دهند که کمتر کشوری بعد از جنگ تن بدان می‌داد. زیرا معنی واقعی سیستم استاندارد طلا وجود یک پول بین‌المللی است که آن هم طلا است. هر چند که هر یک از کشورهایی که این سیستم را قبول کرده‌اند نام خاصی برای پول خود انتخاب کرده باشند ولی چون واحد پولها بر حسب طلا تعیین می‌گردد و پولهای مختلف قابل تبدیل به طلا

می‌باشد در حقیقت پول واقعی تمام کشورها طلا خواهد بود و قیمت‌ها در تمام کشورها تا حدود زیادی به وسیله یک شبکه قیمت‌های بین‌المللی به همدیگر مرتبط می‌شود.

بدیهی است هیچ کشوری تخت این رژیم پولی قادر نیست از سیاست پولی و مالی مستقلی پیروی کند. زیرا بروز بحران اقتصادی در یک کشور از طریق جریان ذخائر طلا و تأثیر آن در عرضه پول و قیمت‌ها و درآمدها به سایر کشورها انتقال می‌یابد. چون هر یک از کشورها با تجربه حاصل از بحران بزرگ سال ۱۹۳۱ سعی داشتند که اقتصاد خود را از عواقب بحرانهای ادواری دور نگهدارند و نیز اصرار داشتند که سطح اشتغال ملی را به حد مکفی برسانند لذا نمی‌توانستند بپذیرند که با قبول سیستم استاندارد طلا علل و عوامل خارجی سیاست پولی و مالی و بالنتیجه سطح درآمد ملی را بدین شکل تحت ضابطه‌ای غیر معقول درآورند.

سیستم پولهای مستقل با نرخهای متغیر نیز برای کشورها قابل قبول نبود زیرا با توجه به تجربه سالهای بین دو جنگ این سیستم در اقتصاد و بازرگانی کشورها اثر نامطلوبی داشت و خطرات مبادلات و سرمایه‌گذاری بین‌المللی را زیاد می‌کرد به علاوه فرار سرمایه را تشویق می‌نمود و تضعیف رقابت‌آمیز شدید پولها را سبب می‌گردید بالنتیجه منتهی به ایجاد هرج و مرج پولی در جهان می‌شد. همچنین حفظ نرخهای ثابت پولی با کنترل ارز نیز در مبادلات بین‌المللی تأثیرات نامطلوبی می‌گذاشت به طوری که تجربه بین دو جنگ نشان داده بود این سیستم به از هم پاشیدن سیستم چند جانبه مبادلات و استقرار سیستم مبادلات دو جانبه منجر گردیده و نیز موجب بروز کمیاب‌ها و پایین آمدن سطح زندگی در کشورها می‌شود زیرا در این سیستم اغلب سیاستهای بازرگانی با توجه به جنبه‌های سیاسی و نه جنبه اقتصادی آن انتخاب می‌گردد. علت علاقه‌مندی به ایجاد یک سیستم بین‌المللی آن بود که ضرورت، به برقراری سیستم مبادلات چند جانبه شدیداً احساس می‌شد از طرف دیگر وجود نرخهای ثابت ارز نیز برای تأمین امنیت کامل جهت مبادلات بین‌المللی و سرمایه‌گذاری لازم به نظر می‌آمد. ولی در ضمن آنها می‌خواستند استقلال کشورها در انتخاب سیاستهای پولی و مالی تا حدودی حفظ شود زیرا بدون آن امکان نداشت موافقت اکثریت کشورهای جهان جلب گردد. صندوق بین‌المللی پول کوشش نمود که در تنظیم مقررات با یک عده سازشهای مدبرانه هدفهای فوق را که متعارض به نظر می‌آیند تأمین نماید. از این رو کارشناسان برای تحقق هدفهای صندوق از هر کدام از سیستم‌های مذکور آن چه را که مفید می‌دانستند در اساسنامه صندوق گنجاندند. مثلاً طلا به عنوان اساس و پایه پولهای کشورهای عضو حفظ گردید و این منظور با تصریح در اساسنامه که برابری ارزش پول (Par value) هر یک از کشورها براساس طلا تعیین می‌گردد و خرید و فروش طلا توسط اعضاء باید به نرخ و در حدود تعیین شده توسط صندوق تعیین شود) تأمین شد بنابراین بر اساس این مقررات نرخهای ثابت ارز برای کشورها تعیین شد. بر این مبنی کشورهای عضو مکلف هستند معاملات طلا را با نرخ برابری طلا با پول خود با تفاوتی که صندوق مقرر

سیاست پولی و ارزی صندوق

صندوق در حال حاضر در کمک مالی بین المللی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند و نیز علاوه بر کمک مالی در سیاستهای ارزی کشورهای عضو مراقبت و نظارت می‌نماید همچنین کوششهایی به عمل آورده است تا کشورهای عضو را متقاعد سازد محدودیتها و کنترل ارزی را به تدریج برطرف سازند و از اعمال تبعیض خودداری کنند و سیاست یک نرخ را اتخاذ نمایند. صندوق برای تأمین این منظور به هر کشوری که احتیاج داشته باشد کمکهای فنی از نظر مشورتی می‌دهد.

صندوق رشد اقتصادی توأم با تعادل و ثبات نسبی مالی و پولی را هدف اصلی اقتصاد کشورهای عضو می‌داند لذا به آنها توصیه می‌کند با اتخاذ تدابیر مالی اجرای برنامه‌های تولیدی و عمرانی را تسهیل نمایند و در صورتی که کشوری دچار عدم تعادل تراز پرداختها گردد بدان کمک می‌کند تا قبل از این که به تدریج نتایج اقدامات اصلاحی مالی و پولی به اعتباری ظاهر گردد، کشور بتواند کسری تراز پرداختهای خود را تأمین کند. کشوری که از صندوق کمک می‌گیرد متعهد می‌شود از سیاستهای اعتباری و مالی که به نظر صندوق برای اعاده تعادل تراز پرداختها ضروری است پیروی کند و برای اینکه این سیاستها به دقت اجرا شود صندوق و کشور عضو دریافت کننده کمک با موافقت یکدیگر حداکثرهایی برای افزایش اعتبارات بخش خصوصی و دولتی تعیین می‌کنند و کشور وام گیرنده تعهد می‌نماید چنانچه حداکثرهای مذکور را رعایت نکند درخواست استفاده بیشتر از منابع صندوق را ننماید.

تسهیلات مخصوص صندوق برای کشورهای در حال توسعه

اخیراً صندوق به منظور ایجاد تسهیلات بیشتر در مورد کشورهای در حال توسعه که قسمت عمده صادرات آنها را مواد اولیه تشکیل می‌دهد سیاست تازه‌ای اتخاذ نموده است که به موجب آن در مواقعی که کشورهای مزبور به علت کاهش موقتی درآمد صادرات مواد اولیه دچار کسری تراز پرداختها می‌شوند می‌توانند تا میزان ۲۵٪ اضافه بر سهمیه خود از منابع صندوق استفاده نمایند مشروط بر این که صندوق تشخیص دهد اولاً نقصان درآمد صادراتی کشور دریافت کننده کمک موقتی و مربوط به عوامل خارجی از قدرت پیش بینی آن است ثانیاً کشور مزبور همکاری لازم را برای یافتن راه حل مناسب جهت حل مشکل تراز پرداختهای خود با صندوق بخواهد نمود و بر این مبنی در سال ۱۹۶۷ در حدود ۱۹۴ میلیون دلار به کشورهای صادر کننده مواد اولیه کمک شده است.

بدیهی است کمکی که صندوق به کشورهای در حال توسعه می‌نماید، برای حل مشکلات آنها کافی نیست. معهداً می‌توان گفت صندوق برای ایجاد شرایط مساعد در این کشورها جهت اجرای برنامه‌های عمرانی و تولیدی بلند مدت خود کمکهای قابل توجهی می‌نماید.



می‌دارد انجام دهند. هیچ کشوری حق ندارد طلا را با نرخ بالاتر و یا کمتر خریداری نموده و یا به فروش رساند. معاملات ارزی نیز باید بر اساس برابری طلا با پول کشور انجام پذیرد به علاوه نباید بین نرخ معاملات نقدی ارزها و نرخ برابری بیش از یک درصد اختلاف باشد و کلیه کشورهای عضو متعهدند کوشش نمایند با همکاری صندوق بین‌المللی پول ارزش خارجی پول خود را ثابت نگه‌دارند و از تغییرات رقابت‌آمیز نرخ ارز جلوگیری نمایند.

با این وجود ارتباط پول کشورها به طلا کامل و سخت نیست یعنی هر موقع که کشوری با مشکلاتی مواجه گردد صندوق بین‌المللی پول برای کشور مزبور تسهیلاتی قائل می‌گردد.

مثلاً هر موقع کشوری با عدم تعادل اساسی در تراز پرداختهای خود مواجه گردد حق دارد پیشنهاد نماید که در برابری پول خود تغییراتی بدهد و اگر این تغییر از ده درصد تجاوز نکند صندوق حق اعتراض نخواهد داشت ولی هر گاه بیشتر باشد به عهده صندوق می‌باشد که تعیین کند آیا تغییر لازم است یا نه و هر گاه لازم تشخیص داده شود به طور خود به خود موافقت به عمل می‌آید ولی هر گاه صندوق موافقت نکند و عضو بدون توجه به نظر صندوق در برابری پول خود تغییر بدهد صندوق می‌تواند کشور مورد بحث را از استفاده منابع صندوق محروم و حتی از عضویت خارج سازد. ولی هر گاه عدم موازنه جنبه موقت داشته باشد کشور عضو می‌تواند از منابع صندوق برای عدم تعادل

بحران کانال سوئز همزمان با پایان دوره کمبود دلار بود. حتی بعد از سال ۱۹۵۸ تراز پرداختهای اتازونی دچار کسری مداوم گردید و این امر سبب شد که به تدریج مسئله کمبود دلار به مسئله وفوردلار تبدیل گردد.

کشورهای اروپای غربی در سال ۱۹۵۸ ابتدا کنترلها را از اقلام بازرگانی و سپس از اقلام سرمایه‌ای تراز پرداختهای خود برداشتند و بدین ترتیب قابلیت تبدیل پول کشورهای صنعتی جهان غرب عملی گردید و یکی از هدفهای مهم صندوق به موقع اجرا گذاشته شد ولی کسری مستمر تراز پرداختهای اتازونی و قابلیت تبدیل ارزها، مسائل و مشکلات تازه‌ای از جمله حرکت وسیع سرمایه‌های کوتاه مدت به منظور معاملات سودجویانه بین مراکز مهم مالی جهان غرب را به وجود آورد. نقل و انتقال سریع سرمایه‌های کوتاه مدت در دهه ۱۹۶۰ سبب تشدید کسری تراز پرداختهای اتازونی وانگلستان و فشار به لیر و دلار و منابع صندوق بین‌المللی پول گردید.

صندوق برای مقابله با مشکلات فوق و رفع نیازمندیهای کشورهای عضو با افزایش سهمیه اعضاء و دریافت اعتبار در حدود ۶ میلیارد دلار از ده کشور صنعتی عمده جهان منابع خود را افزایش داد.

با تصویب طرح حق برداشت مخصوص؛ انتظار می‌رود صندوق بتواند نقش مهم‌تری در سیستم پولی و مالی جهانی بر عهده گیرد. نتیجه آن که صندوق در دوره بعد از جنگ دوم جهانی تا حدودی به ثبات پولی و توسعه مبادلات بین‌المللی کمک نمود و علاوه بر تأثیر در برقراری قابلیت تبدیل پولها و کمک به تعدیل کسری تراز پرداختهای کشورهای عضو وسیله مبادلات مقامات پولی کشورهای عضو و بر طرف کردن سوءتفاهمات گردیده است.

کمک صندوق به کشورهای در حال توسعه در مقام مقایسه با کشورهای صنعتی خیلی کمتر است و با احتیاجات آنها مناسب نبوده است زیرا چنانچه می‌دانیم مبنای استفاده از کمکهای صندوق سهمیه اعضاء است در حالی که مجموع سهمیه کلیه کشورهای جهان سوم به اندازه سهمیه کشور اتازونی نیست. در نتیجه از ۱۷ میلیارد دلار که از تاریخ تأسیس تا ژوئن ۱۹۶۸ از صندوق برداشت شده است ۸ میلیارد دلار آن به نفع انگلستان و اتازونی بوده است.

روابط صندوق با کشور ایران

سهمیه ایران در صندوق ابتدا ۲۵ میلیون دلار تعیین گردید بود و سپس به ۴۵ میلیارد دلار افزایش یافت و در موقع افزایش سهمیه کشورها در سال ۱۹۵۸، سهمیه ایران به جای ۵۰٪ معادل صد در صد ترقی داده شد و به ۷۰ میلیون دلار رسید و پس از آن با افزایش ۲۵ درصد بر سهمیه در سال ۱۹۶۶ سهمیه ایران به ۱۲۵ میلیون دلار بالغ گردید. کشور ایران برای مقابله با کسری موقت تراز پرداختها وامهایی از صندوق بین‌المللی دریافت نموده و در سررسید آنها را مسترد داشته است.

* با نگاهی به کتاب اقتصاد بین‌الملل تألیف دکتر ضیاء الدین هینت



داوری درباره نقش صندوق

صندوق بین‌المللی در انجام هدفهای خود موفقیت کامل به دست نیاورده است، زیرا در ابتدای تأسیس فرض این بود که اقتصاد کشورها به طور عادی در حال تعادل است اگر موقتاً عدم تعادل بروز کند با هدایت و کمک صندوق تعادل مجدد استقرار خواهد یافت و فقط در مواقع استثنایی که عوامل اساسی موجب عدم تعادل گردد توسط به کنترل آنها را رفع خواهد کرد ولی بعد از جنگ غالب کشورها دچار عدم تعادل اساسی شدند. مسئله کمبود دلار نیز در سالهای اولیه بعد از جنگ برای بسیاری کشورها دشواریهایی به بار آورد. چنانچه ناچاراً محدوديتها و کنترلهایی در خرید و فروش ارز و دریافتها و پرداختهای ارز خود برقرار کردند. به علاوه افزایش قیمتها و تورم شدید بسیاری دیگر از کشورها مانع عمده ثبات روابط اقتصادی کشورها با خارج بود صندوق هم برای برقراری سیستم چند جانبه پولی براساس نرخهای ثابت، قدرت مالی در اختیار نداشت. صندوق در ده سال اول عمر خود نتوانست به وظایفی که داشت عمل نماید زیرا در دوره مورد بحث به طوری که اشاره شد کشورهای خارج از ناحیه دلار نسبت به ناحیه دلار دچار کسری شدیدتر از پرداختها بودند لذا ناچار گردیدند پرداختهای خود را نسبت به ناحیه مزبور محدود سازند. به علاوه بر خلاف دوره دهه ۱۹۳۰ که رکود عامل اصلی عدم ثبات اقتصادی کشورها در روابط خارجی آنها بود در این دوره تورم نسبت اصلی عدم تعادل اقتصاد داخلی و خارجی بود و کشورها برای جلوگیری از تضعیف فوق العاده ارزش پول خود مجبور به کنترل نرخ ارز بودند. در این دوره صندوق نقش فعالی در حل مسائل پولی و تراز پرداختهای کشورهای عضو نداشت و کمتر از منابع آن برای حل مشکلات ارزش استفاده می‌شد ولی این وضع با بروز بحران کانال سوئز عوض شد و از آن تاریخ به بعد صندوق در کمک به کشورهایی که دچار عدم تعادل تراز پرداختها گردیدند به خصوص کشورهای عمده صنعتی جهان غرب از جمله دو کشور انگلستان و اتازونی که پول آنها جزء ذخایر بین‌المللی محسوب می‌گردید نقش فعالی داشت.